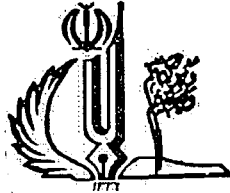


اسکن شد

تاریخ:
ایران:



دانشگاه تهران

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

گروه تاریخ

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در تاریخ ایران اسلامی

عنوان

«بررسی سمت گیری های سیاسی مجالس مشروطه»

«با تکیه بر مجلس اول شورای ملی ایران»

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
تهران

استاد راهنما

دکتر محمد سلماسی زاده

استاد مشاور

دکتر جلیل نائیبیان

پژوهشگر

محمد امین نژد نجفیان

۱۳۸۹/۹/۳

۱۳۸۹

۱۴۵۸۲۵

۲۰۲۵۱۲



Handwritten text in Persian script, organized into columns, likely serving as a list or index corresponding to the portraits above. The text is written in a clear, legible hand, with some larger characters used for headings or section markers. The columns are arranged in a way that suggests a systematic listing of the individuals depicted in the portraits above.

عنوان: بررسی سمت گیری های سیاسی مجالس مشروطه (با تأکید بر مجلس اول شورای ملی ایران)	
استاد راهنما: دکتر محمد سلماسی زاده	
استاد مشاور: دکتر جلیل نائیبیان	
پژوهشگر: محمدمین نژد نجفیان	
دانشگاه: تبریز	دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی
رشته: تاریخ	گرایش: ایران دوره اسلامی
تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۸۹	تعداد صفحه: ۳۳۶
کلید واژه ها: مجلس اول شورای ملی ایران / قاجاریه / مشروطیت / سمت گیری های سیاسی / قانون / دموکراسی / استبداد داخلی / استعمار خارجی / آناشیسیم داخلی / مشروعه خواهان / حکام و منتفدین محلی / محمدعلی شاه قاجار	
<p>چکیده: انقلاب مشروطیت ایران از مهم ترین مقاطع تاریخ این سرزمین می باشد که باعث تغییر و تحولات بسیاری در عرصه های مختلف کشور گردید. از جمله ثمرات این انقلاب تأسیس نهاد مجلس شورای ملی بود که خود منشأ آثار و خدمات بسیاری برای کشور - خصوصاً در اولین دوره آن - بود. مجلس اول را مهم ترین مولود و ثمره انقلاب مشروطه دانسته اند ، اما از زاویه ای دیگر این مجلس را پدید آورنده مشروطه در ایران هم بوده است ، چون با تصویب قوانین پایه و اساسی و سایر اقدامات خود ، مشروطه را از جنبش و انقلابی مزدمی به نهادی حقوقی مبدل ساخت. قطعاً بررسی سمت گیری های مختلف این مجلس - خصوصاً در زمینه های سیاست داخلی و خارجی - ما را در شناخت هرچه بیشتر این کانون دوره مشروطه ، یاری خواهد داد. سمت گیری های مجلس اول را می توان دار محورهای زیر خلاصه کرد: ۱- تلاش برای قانونمند کردن امور کشور: مطالبه قانون به عنوان قواعد و چارچوب هایی که باعث محدودیت حاکمیت و سایر قدرت های مستقر در جهت منافع ملی و اساس حقوق عمومی ، از خواسته های اصلی آزادیخواهان دوره قاجار بود. مجلس اول به این خواسته جامه عمل پوشاند و با تصویب قوانین پایه و مادری چون قانون اساسی ، متمم قانون اساسی ، قانون دستور العمل حکام ، قانون عدلیه و اصول محاکمات ، قانون انجمن های ایالتی و ولایتی و... نظم حقوقی جدیدی را بنیان نهاد.</p> <p>۲- تلاش برای دموکراتیک کردن امور کشور: مجلس اول بر اصول دموکراسی پارلمانی توجه ویژه ای داشت ، این امر را می توان از نظارت دقیق آن بر کابینه های معاصرش و تأکید بر مسئولیت های پارلمانی دولت و همچنین به رسمیت شناختن دسته بندی های سیاسی درونی خود ، متوجه شد. ۳- مقابله با استبداد داخلی در تمام ابعاد: اساساً تمام منازعات این دوره را می توان</p>	

تابعی از چالش های دو قطب سیاسی متضاد این دوره یعنی مجلس و دربار دانست که اولی در رأس کانون آزادیخواهی و حکومت قانون و دموکراسی قرار گرفته و دیگری در رأس کانون استبداد و حکومت مطلقه قرار داشت. مواردی مانند تحدید بودجه سلطنت در این راستا بود.

۴-مقابله با تندروی ها و آنارشسیسم داخلی: قطعاً در یک جامعه قانونمدار و دموکراتیک ، خروج از چارچوبهای قانونی به هر بهانه و مستمسکی مطرود و محکوم است ، چون باعث ناامنی و بهانه یافتن مستبدین می شود. به همین خاطر مجلس اول هم با تندروی های پاره ای انجمنها و مطبوعات و افراد سیاسی مخالف بوده و اقداماتی چون ترور اتابک و نارنجک اندازی به کالسکه شاه را محکوم کرد. ۵-مقابله با استعمار خارجی در تمام ابعاد: روسیه و انگلستان در دوره مشروطه نمی توانستند عادت دیرینه خود در نوع مناسبات استعماریشان با ایران را ترک کنند ، و به همین خاطر مخالفت مجلس با آنها و سایر نیروهای خارجی استعماری طبیعی بود. خط مشی اساسی مجلس اول در این رابطه ، تلاش برای حفظ استقلال کشور از راه مخالفت با مداخلات نیروهای خارجی در تمام جنبه ها (اقتصادی ، سیاسی و نظامی) بود. سخنی از ابوالحسن خان ایلچی شیرازی مصداق خوبی برای عملکرد مجلس در این رابطه بود: باید این وطن را از پنجه شیر و چنگال عقاب برهانیم. ۶-تعامل مثبت و سازنده با نیروهای خارجی غیر استعمارگر: که در حقیقت مکمل سمت گیری پیشین بود و در مواردی چون مراده با مجامع آزادیخواهان عثمانی ، انتخاب نماینده برای شرکت در کنفرانس اتحادیه تلگرافی بین الملل ، تبریک به افتتاح دومای روسیه و...متبلور است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار (رهیافت تاریخی)
۱	مشروطه و پیش زمینه های آن
۲	زمینه های نظری (فکری) مشروطیت در ایران
۲	۱- پیدایش اندیشه های نو
۷	۲- انتشار مطالب انتقادی درباره اوضاع ایران
۹	۳- تأثیر حوادث جهانی بر افکار ایرانیان
۱۰	۴- ریشه های دینی
۱۱	زمینه های عملی مشروطیت در ایران
۱۱	۱- سیاسی
۱۱	۱- الف- شکست برنامه های نوسازی و انحطاط حکومت
۱۴	۱- ب- سلطه خارجی
۱۶	۲- اقتصادی
۱۶	۲- الف- انحطاط اقتصاد خارجی
۱۷	۲- ب- انحطاط اقتصاد داخلی
۱۸	شورش ها و جنبش ها
۲۲	طبقات ، اقشار و گروه های اجتماعی ایران در آستانه مشروطه
۲۷	سیر وقایع منتهی به انقلاب مردمی
۲۹	نگاهی کلی به جریانات فکری و سیاسی در دوره مشروطه
۳۰	مشروطه ایران
۳۱	اهمیت مجلس اول
۳۱	سابقه طلب مجلس در ایران
۳۲	نگاهی به مجلس اول
۳۵	فصل اول) کلیات پژوهش
۳۵	تعریف و تحدید موضوع
۳۶	پیان مسأله

۳۶	سؤالات تحقیق
۳۶	فرضیه
۳۷	اهمیت و ضرورت تحقیق
۳۷	روش تحقیق
۳۷	بزرسی و نقد منابع
۴۱	پیشینه تحقیق
۴۳	فصل دوم)مجلس اول و قانون
۴۴	الف) جریان شکل گیری مجلس اول و نظام نامه انتخاباتی آن
۴۴	۱-چرخش از عدالتخانه به مجلس شورای ملی
۴۶	۲-نظام نامه انتخاباتی مجلس اول
۴۸	۳-روند انتخاب نمایندگان مجلس و مشکلات آن
۵۲	ب) تصویب قانون اساسی مشروطه
۵۲	۱-گزارش هایی از سیر تدوین قانون اساسی مشروطه و کشمکش های آن
۵۸	۲-مآخذ قانون اساسی و نگاهی به مهم ترین مفاد آن
۵۹	ج) تصویب متمم قانون اساسی
۵۹	۱-ضرورت متمم
۶۰	۲-گزارش هایی از سیر تدوین متمم قانون اساسی و مخالفت مشروعه خواهان و دربار با آن
۶۹	۳-نگاهی به مهم ترین مفاد متمم قانون اساسی و مآخذ آن
۷۲	د)روال داخلی مجلس اول و تصویب نظام نامه داخلی آن
۷۶	ه)تصویب سایر قوانین پایه
۷۶	۱-قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستور العمل حکام
۷۷	۲-قانون انجمن های ایالتی و ولایتی
۷۹	۳-قانون عدلیه و اصول محاکمات
۸۰	۴-تلاش مجلس برای قانونمند کردن امور نظامی کشور
۸۱	جمع بندی
۸۳	فصل سوم)مجلس اول و دموکراسی
۸۳	الف)بررسی سمت گیری های سیاسی مجلس اول در رابطه با کابینه های معاصر
۸۳	۱-کابینه میرزا نصرا...مشیر الدوله
۸۵	۲-کابینه سلطان علی خان وزیر افخم

- ۳- کابینه میرزا علی اصغر خان امین السلطان (اتابک) ۸۷
- ۴- کابینه نخست میرزا احمد مشیر السلطنه ۹۶
- ۵- کابینه میرزا ابوالقاسم خان ناصر الملک قراگوزلو ۹۷
- ۶- کابینه حسین قلی خان نظام السلطنه مافی ۹۹
- ۷- کابینه دوم مشیر السلطنه ۱۰۱
- ۸- تأکید و نظارت بر مسئولیت های پارلمانی دولت از سوی مجلس ۱۰۲
- ب) دسته بندی های سیاسی مجلس اول ۱۰۷
- جمع بندی ۱۱۲
- فصل چهارم) مجلس اول و استبداد داخلی (محمد علی شاه قاجار) ۱۱۴
- الف) چالش مجلس اول و شاه تا کودتای اول (واقعه میدان توپخانه) ۱۱۵
- ۱- محمد علی شاه؛ تزلزل از همراهی ظاهری تا مقابله ضمنی ۱۱۶
- ۲- هدف محمد علی شاه از به قدرت رساندن اتابک ۱۲۱
- ۳- تقلیل بودجه سلطنتی از سوی مجلس و ایراد سوگند از سوی شاه ۱۲۴
- ب) چالش مجلس اول و شاه از کودتای اول تا پایان کودتای دوم (به توپ بستن مجلس) ۱۲۶
- ۱- کودتای اول بر علیه مجلس (ماجرای میدان توپخانه/ کودتای ذیقعد ۱۳۲۵ ق.) ۱۲۶
- ۲- بهانه یافتن شاه پس از واقعه نارنجک اندازی (بمب اندازی) ۱۳۶
- ۳- وابستگی شاه به روسیه ۱۴۲
- ۴- عزیمت به باغ شاه؛ شاه در تدارک انهدام مجلس ۱۴۴
- ۵- فرجام کار چالش مجلس اول و شاه (بمباران مجلس اول) ۱۵۴
- ۶- تحلیل هایی از چالش مجلس اول و شاه ۱۵۶
- جمع بندی ۱۶۰
- فصل پنجم) مجلس اول و استبداد داخلی (مشروع خواهان و حکام و منتفدین محلی) ۱۶۲
- الف) چالش های مشروع خواهان با مجلس اول و سمت گیری های مجلس در این رابطه ۱۶۲
- ۱- چالش های اولیه مجلس و مشروع خواهان تا تحصن اصلی در حضرت عبدالعظیم ۱۶۴
- ۲- تحصن مشروع خواهان در حضرت عبدالعظیم (از ۱۰ جمادی الاول تا ۸ شعبان ۱۳۲۵ ق.) ۱۷۲
- ۳- مناسبات مجلس و مشروع خواهان از کودتا تا کودتا ۱۷۷
- ۴- مسأله حقوق و آزادی های زنان در بستر تقابل مشروطه و مشروع ۱۸۳
- ث) چالش های حکام و منتفدین محلی طرفدار استبداد با مجلس اول و سمت گیری مجلس ۱۸۴
- در این رابطه ۱۸۴

- ۱- کلیاتی نسبت به سمت گیری مجلس اول در رابطه با مستبدین محلی ۲۱۵
- ۲- اقدامات مجلس در مقابله با آصف الدوله و سالار مفخم بجنوردی ۱۸۹
- ۳- اقدامات مجلس در مقابله با حاج آقا محسن عراقی ۱۹۵
- ۴- اقدامات مجلس در مقابله با رحیم خان چلبیانلو (سردار نصرت) و پسرش بیوک خان ۱۹۷
- ۵- اقدامات مجلس در مقابله با قوام الملک شیرازی ۲۰۱
- ۶- اقدامات مجلس در مقابله با سایر مستبدین محلی ۲۰۴
- تجمع بندی ۲۱۰
- فصل ششم) مجلس اول و استعمار خارجی ۲۱۳
- الف) مداخلات اقتصادی نیروهای خارجی و سمت گیری های مجلس اول در این رابطه ۲۱۳
- ۱- مسأله امتیازات استعماری ۲۱۴
- ۲- مسأله استقرار خارجی ۲۱۸
- ۳- مخالفت با حضور مستشاران خارجی وابسته ۲۱۹
- ب) مداخلات سیاسی نیروهای خارجی و سمت گیری مجلس اول در این رابطه ۲۲۴
- ۱- مداخلات سیاسی روس و انگلیس و رویکرد مجلس ۲۲۵
- ۲- اوج استعمار روس و انگلیس (قرارداد ۱۹۰۷ م.) ۲۳۳
- ۳- ناراضی استبداد عثمانی از مشروطیت ایران ۲۳۶
- ج) مداخلات نظامی نیروهای خارجی و سمت گیری مجلس اول در این رابطه ۲۳۷
- ۱- تجاوز عثمانی به غرب آذربایجان ۲۳۸
- ۲- تجاوز روسیه به بیله سوار ۲۴۱
- ۳- نقش استعماری تیپ قزاق در دوره مجلس اول ۲۴۵
- د) مرادوات دوستانه بین المللی مجلس اول ۲۵۰
- تجمع بندی ۲۵۳
- فصل هفتم) مجلس اول و آنارشیزم داخلی ۲۵۴
- الف) کلیاتی درباره جبهه افراطیون (تندروان) و سمت گیری مجلس اول در این رابطه ۲۵۴
- ۱- شناخت جبهه مشروطه خواهان تندرو ۲۵۴
- ۲- نمایندگان تندرو ۲۵۷
- ۳- مطبوعات تندرو ۲۵۷
- ۴- رویکرد مجلس در قبال جبهه تندروان ۲۵۹
- ب) مسأله انجمن ها و سمت گیری مجلس اول در این رابطه ۲۶۴

۲۶۴	۱-نگاهی به انجمن ها در دوره مجلس اول
۲۷۱	۲-دیدگاه چند تن از محققین و ناظران پیرامون انجمن های این دوره
۲۷۶	۳-رویکرد مجلس در قبال انجمن ها
۲۷۸	بج(مسأله ناامنی و سمت گیری مجلس اول در این رابطه
۲۷۸	۱-ریشه های ناامنی
۲۸۰	۲-اشکال ناامنی های این دوره و نمونه های آن
۲۸۴	۳-رویکرد مجلس در رابطه با مسأله ناامنی
۲۸۹	جمع بندی
۲۹۱	نتیجه گیری
۲۹۸	ضمایم
۲۹۸	۱-اسامی نمایندگان اولین دوره مجلس شورای ملی ایران
۳۰۱	۲-خطابه مظفرالدین شاه قاجار در روز افتتاح مجلس اول شورای ملی ایران
۳۰۳	۳-ابیاتی در افتتاح اولین دوره مجلس شورای ملی ایران
۳۰۴	۴-قانون اساسی (نظام نامه اساسی) مشروطه
۳۱۲	۵-متمم قانون اساسی مشروطه
	۶-یک نمونه از تلگرافات آیات ثلاث نجف در تشیید مبانی مشروطه و تأیید عملکرد
۳۲۳	مجلس اول
۳۲۴	۷-مستزاد اشرف گیلانی درباره وقایع میدان توپخانه و مدرسه مروی
۳۲۵	۸-نامه وزیر خارجه ایران به سفیر انگلیس در تهران مبنی بر رد قرارداد ۱۹۰۷م.
۳۲۶	۹-گزارش پالکونیک لیاخوف به ستاد کل منطقه نظامی قفقاز
	۱۰- متن قطعنامه انجمن های تندرو مبنی بر لزوم استعفای احتشام السلطنه از ریاست
۳۲۸	مجلس
۳۳۰	فهرست منابع

پیشگفتار

(رهیافت تاریخی)

مشروطه و پیش زمینه های آن

در تاریخ ایران چندین اتفاق حیاتی موجب پدید آمدن مقاطعی اساسی گردیده و تاریخ این سرزمین را از دوره ای به دوره دیگر رهنمون ساخته است. مهم ترین حادثه و اساسی ترین جریان - پس از سقوط ساسانیان و ورود اسلام به ایران - وقوع مشروطیت در ایران است که پیش زمینه های آن از دوران جنگ های ایران و روس به وجود آمد که برعمر دوره میانه تاریخ ایران مهر خاتمه زده و تاریخ این سرزمین را وارد دوران نوین و عصر جدید خود نموده است. شکست های ایران در جنگ با روسیه و عهدنامه های گلستان و ترکمانچای اولین "تکانه های ذهنی و روانی" را در تفاوت ایران عقب مانده و روسیه پیشرفته بر ایده ها و کنش های برخی از مردان سیاسی و نخبگان فکری وارد آورد. البته باید توجه داشت که فرآیند انحطاط جامعه ایرانی در ابعاد مختلف مدتها پیش از آن با پوسیدگی حکومت صفوی و خصوصاً پس از سقوط اصفهان شروع شده بود.^۱

در زمان حکومت قاجارها ایران بسیار ناتوان شد و از بزرگی و جایگاه و آوازه آن بسیار کاسته شد، علت آن بیش از همه یک چیز بود آن این که جهان دگر شده و کشورها به تکان آمده ولی ایران به همان حال پیشین باز مانده بود. "از دوره مرگ کریم خان زند تا مرگ فتح علی شاه قاجار" - که دوره ای پنجاه و پنج ساله بود - در اروپا تحولات مهمی به وقوع پیوسته بود، انقلاب فرانسه با اهداف آزادیخواهی و مردم سالاری بروز کرد و همچنین رشد سیاسی و نظامی و فن آوری، که در نتیجه آنها دول بزرگ و نیرومندی پایه عرصه نهاده بودند. اما ایران از آن تحولات و تکانها ناآگاه و بی بهره مانده بود. نتیجه این وضعیت این بود که دو دولت نیرومند و توسعه طلب یکی در شمال و دیگری در جنوب ایران پیدا شده و ایران ناتوان و ناآگاه در میان آنها مانده بود. «و راستی آن که برای چنان زمانی پادشاهان کم جر بزه ی قاجاری شاینده سررشته داری نبودند.»^۲

^۱ علی اصغر حقدار، مجلس اول و نهادهای مشروطیت، تهران: مهرنامگ، ج اول، ۱۲۸۳، صص ۱۶-۱۵.

^۲ احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تبریز: اختر، ج دوم، ۱۳۸۵، صص ۱۷-۱۶.

زمینه های نظری (فکری) مشروطیت در ایران

۱) پیدایش اندیشه های نو: از اوایل دوره قاجار، به دنبال گسترش رفت و آمدهای ایرانیان به خارج از کشور و نیز توسعه روابط بین المللی ایران، عده ای از ایرانیان کم و بیش از آنچه در سطح جهان در جریان بود آگاهی یافتند و به نشر افکار نوین پرداختند. این گروه که بعدها روشنفکران^۱ نامیده شدند را می توان پیشروان فکری انقلاب مشروطه به شمار آورد.

"میرزا فتحعلی آخوندزاده" (۱۲۹۵-۱۲۲۷ه.ق.) را شاید بتوان "اولین روشنفکر مهم ایران" دانست. وی که به ادبیات و زبان های فارسی، ترکی، عربی و روسی آشنایی داشت، منادی تغییر الفبا و پیشرو مکتب سکولاریسم با دیدگاه های آشکار ضد روحانیت بود که منشأ بسیاری از مضامین عصر مشروطه خواهی - آموزش سکولار، بازسازی اخلاقی، عناد با موهوم پرستی و... - را می توان در نوشته هایش یافت. وی در یکی از آثارش به نام "مکتوبات کمال الدوله" بر ناصرالدین شاه به خاطر اقداماتش حمله کرد. مهم ترین اثر آخوند زاده را در انقلاب مشروطه، می توان انتقادهای اجتماعی وی از طریق نمایشنامه های جدید و با زبانی محاوره دانست. این نمایشنامه ها سراسر نقد اوضاع فکری و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی مشرق به طور عام و ایران به طور خاص بودند. در این آثار، آخوند زاده از علما و حکام و از خرافات و موهومات و باورهای ضد علمی و غیر منطقی که در ذهن مردمان ریشه دوانیده بود، انتقاد کرده و پرده برداشت. وی نخستین نمایشنامه نویس در جهان اسلام و بلکه در آسیا بود.^۲ وی یک سکولاریست مصمم و تمام عیار و تک هواخواه جدی تمدن غرب بود. او حکومت مشروطه ای را پیشنهاد می کرد که خود مردم با کمک انقلاب به دست آورند، نه آن که صرفاً از رهبران نوگرا سرچشمه گیرد. آخوند زاده معتقد به حاکمیت ملت بوده و پادشاه را تنها در حد توشیح کننده قوانین مصوب پارلمان، بدون آن که گامی بر ضد آن بردارد، می دانست.^۳

"میرزا ملکم خان" ملقب به ناظم الدوله (۱۳۲۶-۱۲۴۹ه.ق.) را می توان اولین منادی مهم حکومت مشروطه در ایران دانست، هر چند که ناتوانی های سالخوردگی مانع از آن شد که خودش فعالانه در انقلاب ایفای

^۱ در بخش "طبقات و گروه های اجتماعی ایران در آستانه مشروطیت، به بررسی کلی گروه روشنفکران خواهیم پرداخت. در اینجا نگاهی اجمالی داریم به آرای چند تن از مهم ترین روشنفکران ایران که زیربنای فکری مشروطیت را فراهم آوردند. بی تردید بررسی دقیق و جامع آرا و افکار این افراد، خود نیاز به تحقیقات و پایان نامه های مستقلی دارد و خارج از حیطه این تحقیق می باشد.

^۲ عباس امانت، زمینه های فکری [مندرچ در کتاب: انقلاب مشروطیت (از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا)، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر، ج دوم، ۱۳۸۳، صص ۳۳-۳۲ و داریوش رحمانیان، تاریخ علت شناسی انحطاط و عقب ماندگی ایرانیان و مسلمین، تبریز: مؤسسه سه علامه دانشگاه تبریز، ج اول، ۱۳۸۲، صص ۵۷-۵۶.

^۳ عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: امیرکبیر، ج دوم، ۱۳۶۴، صص ۲۸-۲۷.

نقش کند.^۱ وی در خانواده ای ارمنی زاده شده بود که بعدها به اسلام گرویدند. وی که از نظر سیاسی زندگی پرفراز و نشیبی داشت، کوشش های اصلاح طلبانه و ترقی خواهانه خود را از اوایل عصر ناصری با نگارش رساله معروف "کتابچه غیبی یا دفتر تنظیمات" و تأسیس انجمن فراموش خانه شروع کرد، انجمنی که چندی بعد ناصرالدین شاه فرمان انحلال آن را صادر کرد، چون زمزمه های جمهوری خواهی از آن به گوش می رسید. واژه های کلیدی نظیر "قانون"، "اصلاحات"، "مجلس شوری"، "ملت"، "ملی" و "حقوق ملت" را برای اولین ملکم خان در کتابچه غیبی مطرح کرد. این کتاب که در سال ۱۲۷۵ه.ق. نگارش شد، اولین توصیف نظام مند در خصوص نظام مشروطه در ایران است. وی از سال ۱۳۰۷ ه.ق. شروع به انتشار روزنامه "قانون" نمود که چاپ آن با فواصلی تا اوایل سلطنت مظفرالدین شاه ادامه داشت. چاپ این روزنامه در افزایش بیداری و هشیاری ملی و گسترش و تعمیم نظریه "استبداد عامل عقب ماندگی و انحطاط" بین ایرانیان و در رشد اندیشه قانون خواهی تأثیر بسزا و کم نظیر داشت. در دهه قبل از انقلاب مشروطه، تصویری مبهم از یک تشکیلات قانونگذاری و یک قانون مدون، تفکیک قوا و وکالت مردمی وجود داشت و روزنامه قانون نقشی اساسی در جا انداختن این مفاهیم داشت.^۲

ملکم بسیاری از مسائل بااهمیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را مطرح ساخته و تناسب آنها را با ایران یادآور شد. مسائلی مانند رژیم های پادشاهی و جمهوری، جدایی قوا، سلطنت مطلقه و میانه، برابری، تشکیل دولت به شیوه اروپائی، امور دادگستری، آموزش و پرورش عرفی و غیرروحانی، بانکداری، مسئولیت وزرا در برابر مجلس، آزادی بیان، وحدت ملی، این که مردم تنها صاحبان کشور هستند، تکنولوژی و تمدن غرب، تغییر الفبای عربی و بسیاری از اندیشه های نوین مورد بحث و بررسی وی قرار گرفت. به طور خلاصه می توان گفت، علی رغم ضدونقیض گوئی هایی در بحث، نوشته های ملکم نقش بسیار مؤثری در گسترش اندیشه های نوخواهی در ایران بازی کرد.^۳

"میرزا یوسف مستشارالدوله" (۱۳۱۳-؟ه.ق.) که یک عمر از طرف وزارت خارجه به نقاط مختلف جهان - پاریس، سن پترزبورگ، تفلیس و... - اعزام شده بود و در این مأموریت ها با تمدن غربی آشنا شده و ترقیات اروپا را از نزدیک دیده بود، در اواخر عمر مغضوب و مطرود دستگاه استبداد قرار گرفت و حتی به زندان هم افتاد. وی یکی از مشهورترین اندیشه گران و روشنفکران دوره قاجار می باشد که شهرت و نفوذ وی را در جامعه غالباً به خاطر رساله "یک کلمه" دانسته اند، که بر معاصران مستشارالدوله و در نسل های بعدی تأثیری شگرف نهاد و از پرخواننده ترین کتاب های دوران انقلاب مشروطه بود. وی در

^۱ پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن

مدیرشانه چی، تهران: مرکز، ج یازدهم، ۱۳۸۶، ص ۶۳.

^۲ امانت، ص ۳۱ و رحمانیان، صص ۷۸-۷۶.

^۳ حائری، صص ۴۷-۴۰.

این کتاب با ارائه شواهدی از قرآن و حدیث به تشریح همخوانی اسلام با آزادی و برابری پرداخته است. همچنین اصول سیاست و حکومت غربی را با اصول آموزه های اسلامی تطبیق کرده و آنها را سازگار شناخته و بیان کرده است که میان حقیقت اسلام با ترقی و مدنیت هیچ اختلافی نیست. در واقع هدف مستشارالدوله از نگارش یک کلمه این بود که نشان دهد رمز رشد و ترقی غربی ها در یک کلمه یعنی قانون است.^۱ این کتاب را تفسیری از نخستین قانون اساسی فرانسه هم دانسته اند.^۲ وی در مورد آزادی اتباع یک کشور در شرکت در انتخابات و دادن رأی نیز بحث کرده، می گوید که این حق اتباع است که نمایندگان خود را انتخاب کنند، این حق به مردم فرصت می دهد که درباره اعمال حکومت بحث و دخالت کنند و مواظب اعمالش باشند. این نمایندگان طبق قانون در یک مجلس قانونگذار گرد هم می آیند و اراده مردم و موافقت آنها پایه هر سیاست و حکومتی است.^۳

"میرزا آقاخان کرمانی" (۱۳۱۴-۱۲۷۰ه.ق.) را نخستین پیشرو تفکر "سوسیال دموکراسی" در ایران دانسته اند.^۴ وی به واسطه نارضایتی از دولت و اوضاع ایران، کشور را ترک کرده و حدود ده سال در استانبول اقامت گزید و در آنجا با محافل روشنفکری و تجددگرای ایرانی و ترک آشنایی و پیوند یافت، از جمله با روزنامه "اختر" همکاری کرده و مقاله های انتقادی درباره اوضاع و احوال ایران در آن به چاپ رساند. وی از مریدان سید جمال الدین اسدآبادی و حامی و همکار ملکم خان بود. پس از ترور و قتل ناصرالدین شاه، وی از جمله کسانی بود که متهم به مشارکت در توطئه قتل گردید و با فشار دولت ایران، دولت عثمانی وی را (به همراه شیخ احمد روحی و میرزا حسن خبیرالملک) به ایران تحویل داد، آنها را به تبریز آوردند و به دستور محمدعلی میرزای ولیعهد به قتل رساندند. پس از این از وی به عنوان "شهید ستمشاهی قاجار" یاد شد و جایگاه رفیعی را در شجره روشنفکری انقلاب مشروطه به خود اختصاص داد. وی با برجای نهادن حدود بیست کتاب و رساله از برجسته ترین روشنفکران و نویسندگان دوره قاجار به شمار می رود، با این وجود دارای شهرتی در خور نمی باشد، شاید علت آن این است که اغلب آثار او هنوز چاپ نشده و به صورت خطی باقی مانده اند. وی از مدافعین ضرورت نظام مشروطه بود و حتی وقوع انقلاب مردمی را پیش بینی کرده بود. کرمانی از لحاظ نظری دو دوره متفاوت را سپری کرد. در ابتدا وی ریشه اصلی انحطاط ایران را دین اسلام معرفی می کند، در این دوره وی از لحاظ فکری نزدیک به افکار آخوند زاده ارزیابی می شود. دو رساله مهم «سه مکتوب» و «صدخطابه» محصول این دوره فکری اوست. همچنین تأکید کرمانی بر ریشه های ایران پیش از اسلام به عنوان منبعی برای بیداری ملی، تأثیرات بسزایی

^۱ امانت، ص ۳۲ و رحمانیان، صص ۱۰۷-۱۰۶.

^۲ حائری، ص ۳۴.

^۳ همان، ص ۳۵. (به نقل از کتاب یک کلمه).

^۴ فریدون آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران: پیام، چ اول، ۲۵۳۵، ص ۲۷۰.

بر نوشته های دوره مشروطه خواهی نهاد. اما پس از برخورد با اسدآبادی، در دیدگاهش نسبت به اسلام تجدید نظر کرد و پس از آن مانند دیگر تجددگرایان مسلمان، انحراف از حقیقت اسلام را عامل اصلی عقب ماندگی ایرانیان و مسلمانان شناخت.^۱

"میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی" (۱۳۲۹-۱۲۵۰ ه.ق.) ناسیونالیست معتدل که از جمله شاخص ترین نویسندگان روشن اندیش عصر قاجار می باشد. وی در نوجوانی از موطنش تبریز به داغستان رفته و تا پایان عمر در آنجا زندگی کرد. وی با شوقی وافر از آغاز جوانی تا پایان عمر به فراگیری دانش پرداخت و آثار متنوعی را از خود بر جای گذاشت. با وجود آن که طالبوف در ایران نبود، اما همه آثار خود را به زبان فارسی ساده و همه فهم می نوشت و در آنها هدفش آشنا کردن ایرانیان با علوم و افکار جدید بود. وی در خصوص نهادهای سیاسی و اجتماعی اروپای نوین قلم زد که مخاطبین بسیاری یافت. تشریح جذاب وی از علوم اروپایی، عقب ماندگی فنی و حرفه ای ایرانیان را که در دوره مشروطه خواهی سخت در خور سرزنش دیده می شد، به وضوح برای خوانندگان عامی روشن می کرد. علاوه بر وجه اندیشگی، طالبوف از شأن دیگری هم برخوردار بوده و آن هم نقادی های سیاسی و اجتماعی تیزبینانه وی از اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران است که این مورد از دیگر عوامل فکری وقوع مشروطه در ایران می باشد. وی با توجه به شهرتی که داشت، پس از پیروزی مشروطه از سوی مردم تبریز به نمایندگی مجلس اول برگزیده شد، ولی به سبب کهولت سن و بیماری یا به سبب تکفیری که -با تحریک شاهزاده کامران میرزا- شده بود، طالبوف که از بنیان فکری مشروطیت ایران بود، هرگز به ایران نیامد.^۲ یاری طالبوف را در بیداری ایرانیان و گسترش ثنوری مشروطیت در ایران، اگر بیش از دیگر اندیشمندان نبوده، کمتر هم ندانسته اند.^۳

"سید جمال الدین اسدآبادی" (۱۳۱۴-۱۲۵۴ ه.ق.) اولین نواندیش دینی و احیاگر اسلامی مهم جهان اسلام بوده است که تمام نحله های جریان نواندیشی دینی (تجددگرایی اسلامی) تا به حال به نحوی و درجاتی متأثر از آرا و افکار وی بوده اند. همچنین برخی تأثیر اندیشه و عمل وی را به حدی می دانند که او را بنیانگذار و محرک نهضت ها و خیزش های انقلابی در جهان اسلام در یک و نیم قرن اخیر می دانند. وی را در بسیاری از نقاط جهان با لقب و ملیت "افغانی" می شناسند، اما برپایه اسناد متقن در ایرانی بودن وی تردیدی نیست. علت این اشتباه هم این بوده که گویا وی در طول زندگی پرماجرا و سفرهای متعددش، در بسیاری از جاها به خاطر مصالحی ملیت واقعی خود را آشکار نمی کرده است. گذشته از فعالیت های سیاسی، اسدآبادی در روزگاری می زیست که از یک سو ترقی و اقتدار غرب و از سوی دیگر ضعف و انحطاط شرق اوج و شدت بی سابقه ای گرفته بود. اندیشه و باور دینی مورد هجوم مکاتب مادی قرار گرفته بود و

^۱ امانت، ص ۳۳ و رحمانیان، صص ۱۷۹-۱۷۶.

^۲ امانت، ص ۳۴ و رحمانیان، صص ۱۹۸-۱۹۷.

^۳ حائری، ص ۴۷.

نوعی اسلام ستیزی پدیدار شده بود. در ایران و جهان اسلام گروهی پیدا شده بودند که در کوره‌ستیز با اسلام و کنار نهادن دین و آیین و تقلید مطلق از غرب می‌دیدند. از سوی دیگر علمای سنتی غرق در گرداب تقلید و فارغ از اوضاع و احوال جدید، یکسره بر مقوله انحطاط و عقب ماندگی چشم بسته و به تحریم و تکفیر و تفسیق دلخوش کرده بودند. سیدجمال با زبان قلم خویش، با هر دو گروه، که در یک نقطه کاملاً پیوند و اشتراک داشتند، درافتاد. نقطه پیوند آنها، جهل و اندیشه خشک و دانش تقلیدی بود که آنها را از پرسش حقیقی و جدی و ثمربخش از ترقی و انحطاط ناتوان می‌ساخت. بزرگترین دل‌مشغولی سیدجمال در تمام طول زندگی، انحطاط و عقب ماندگی و اصلی‌ترین تلاش فکری، علت شناسی و شناخت راه برون رفت از آن بوده است. سید جمال از دو جهت با اندیشه‌های نوین غربی نزدیک بوده است، اولاً به جهت این که وی به اندیشه ترقی مجهز بود، دوماً این که وی به نقادی مداوم اندیشه‌ها و باورهای پیشینیان اعتقاد داشته و با گذشته پرستی به شدت مخالف بوده است.^۱ بررسی اندیشه و عمل سید جمال مجال بسیار فراخ می‌طلبد و تنها نکته‌ای که نباید فراموش کرد، این است که از لحاظ اندیشه و عمل وی دارای دیدی فراملی و فرا وطنی بوده و مشکلات و مسائل ایران را در پیوند با مشکلات جهان اسلام می‌دیده است و بنابراین دنبال اقدامات و راه‌کارهایی در چارچوب جهان اسلام بوده است و به همین خاطر تأثیرات و آوازه وی تا به امروز در بسیاری از نقاط پهنه اسلامی باقی مانده است. علاوه بر تأثیر عام (مبارزه فکری و عملی با استبداد و استعمار) وی بر انقلاب مشروطیت ایران، به طور اخص هم تأثیر گذاشت بطوری که می‌توان اذعان نمود که اسدآبادی از سازندگان بنای اتحاد بین عناصر مذهبی (به ویژه روحانیون مترقی) با عناصر تجددگرا و روشنفکر بوده است.^۲ این اتحاد را که آبراهامیان از آن با عنوان اتحاد طبقه متوسط سنتی با طبقه متوسط جدید می‌داند، از عوامل مهم وقوع مشروطیت در ایران بوده است.

علاوه بر تأثیرات این متفکرین، در عصر ناصری دهها اثر غربی، به خصوص در زمینه ادبیات و رمان، به زبان فارسی ترجمه شدند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌هایی چون رابینسون کروزوئه، سه تفنگدار، ماجراهای حاجی بابا، تاریخ ایران سرجان مالکم... اشاره کرد. با وجود آن که بسیاری از این ترجمه‌ها با سفارش شخص شاه صورت می‌گرفت، اما باید توجه کرد که این آثار ناخواسته با ترسیم تفاوت‌های فاحش بین پادشاهان نامدار اروپا با ایران و بین فقر ایران با ثروت اروپا و مسائلی از این قبیل، تأثیری مستقیم بر رشد فکری مردم و تأثیری غیرمستقیم بر وقوع مشروطیت داشته‌اند.^۳

پیدایش و رواج "دبستان"‌ها در ایران، از جمله زمینه‌های رشد اندیشه‌های نو و همچنین از جمله نشانه‌های بیداری عمومی بوده است. تأسیس دبستان در ایران از سال ۱۳۱۴ ه.ق. (۱۲۷۵ ه.ش.) - آغاز

^۱ رحمانیان، صص ۱۲۱-۱۱۵.

^۲ نیکی-آر-کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم، چ دوم، ۱۳۷۷، صص ۱۰۸.

^۳ آبراهامیان، صص ۵۲.

دوره مظفری - بود که میرزا حسن رشديه، نخست در تبريز و سپس در تهران بانی آن شد و تحول بزرگ در نظام آموزشی ایران از شکل سنتی به شیوه های نوین بود. پس از چندی در سایه روی آوردن مردم، دبستان های مختلفی بنیاد یافتند. پشتیبانی دو تن از روحانیون مرفی - سید محمد طباطبایی و شیخ هادی نجم آبادی - عامل مؤثری در فروکش کردن مخالفت های متحجرین بود. دبستان ها که محل تعلیم علوم و افکار جدید بودند، سال به سال افزونتر می گردیدند به طوری که در آستانه مشروطه کمتر شهری در ایران بود که چند دبستان در آن نباشند.^۱

۲) انتشار مطالب انتقادی درباره اوضاع ایران: که شاید در نگاه اول دارای قرابت با مبحث قبلی یا جزئی از آن به نظر برسد، اما باید توجه داشت که پیدایش اندیشه های نو بیشتر از جایگاهی فلسفی، دینی و علمی برخوردار بوده و توسط روشنفکران عصر قاجار به صورت تدریجی از دهها سال قبل از وقوع مشروطیت مطرح شده بودند (مثلاً برخی از آثار آخوند زاده حدود نیم قرن پیش از مشروطه نوشته شده اند) و باعث رشد فکری و معلومات عمومی گردیدند. اما مطالب انتقادی در سالهای نزدیک به وقوع انقلاب مردمی و غالباً از جایگاهی سیاسی برخوردار بوده و عموماً در شکل روزنامه (و البته چند کتاب مهم) بوده اند. با این وجود باید اذعان نمود که گاهی شناخت مرز بین اندیشه های نو و نوشته های انتقادی کاری مشکل می شود. هدف از انتشار این قبیل نوشته ها در داخل و خارج از کشور، عمدتاً زیر سؤال بردن وضعیت وقت کشور بوده است.

در میان نوشته های انتقادی "روزنامه" ها جایگاه نخست را به خود اختصاص می دهند. باید توجه داشت که منظور از روزنامه در این دوران نشریاتی بود که به شکل ادواری و با فواصل زمانی مشخص منتشر می شدند و تا قبل از مشروطه به نظر نمی رسد که هیچ نشریه ای هر روز دائماً منتشر شده باشد و منظور از روزنامه بیشتر قطع آنها بوده است، بنابراین تعریف روزنامه در آن زمان تا حدودی با زمان حاضر تفاوت می کرده است.

هر چند که درصد افراد باسواد در دوره قاجار اندک بوده است، اما به نظر می رسد روزنامه های متقدم با تأثیری که بر افراد باسواد - که خطیبان و سخنوران هم جزء آنها بودند می گذاشتند - غیرمستقیم بر آگاهی عمومی هم می افزودند. تاریخچه مطبوعات در ایران دارای سرگذشتی پرفراز و نشیب می باشد، از زمانی که نخستین نشریه در ایران پدید آمد (کاغذ اخبار توسط میرزا صالح شیرازی در دوره محمدشاه) تا دهها سال تنها نشریات موجود، نشریات دولتی بودند که به انعکاس اخبار رسمی می پرداختند. با وجود آن که این نشریات از مخاطبین محدودی برخوردار بوده و تنها مقامات دربار، دولتمردان، مستمری بگیران دولت، اشراف و ملاکین به اجبار مشترکین آنها بودند، اما کاملاً هم بدون تأثیر نبودند و اخبار خارجی و برخی مقالات علمی که منتشر می کردند تا حدی - البته محدود - باعث افزایش آگاهی می شد. البته دو

مشکل اساسی نداشتن مخاطبین غیردولتی و رسمی بودن اخبار باعث محدودیت تأثیر آنها می شد. از اواخر عصر ناصری برای اولین بار با پدیده ای تازه مواجه می شویم و آن به وجود آمدن نشریات غیردولتی است که دارای مشی ناقدانه و در برخی موارد حتی افشاگرانه بودند. طبیعی است که به دلیل وجود دستگاه استبدادی در ایران این نشریات در خارج از کشور منتشر می شدند اما بسیاری از شماره های آنها برای مخاطبین ایرانی به داخل کشور فرستاده می شد. روزنامه "اختر" چاپ استانبول در زمان جنبش تنباکو نقش بارزی را با افشاگری های خود در آگاهی عمومی و انتقاد از قرارداد توتون و تنباکو ایفاء کرد.^۱ روزنامه "قانون" چاپ لندن که به همت ملکم خان در چهل و یک شماره منتشر شد، از روزنامه های مهم این دوره می باشد که تأثیر شگرفی در رشد اندیشه قانون خواهی و انتقاد از اوضاع منحط داخلی داشت. یک نکته حایز اهمیت در مورد مطبوعات این است که با شروع عصر مظفری - یعنی دهه ای که منتهی به مشروطه شد - تأثیر روزنامه ها افزونتر می گردد، چون در این دوره هم ورود روزنامه ها به کشور با آزادی بیشتری نسبت به قبل صورت می گیرد و هم شمار روزنامه های انتقادی بیشتر می شود. "حبل المتین" که در این زمان در کلکته هند چاپ می شد، از بااهمیت ترین روزنامه های این دوره است. این نشریه که انتشار هفتگی داشت، از دیدگاه کسروی از همه روزنامه های آن زمان بزرگتر و بنام تر بود و یکی از مواردی که باعث رواج روز افزون آن گردید این بود که به نزد علمای نجف و جاهای مختلف فرستاده می شد و در این کاربرخی تجار آزادیخواه نقش داشتند (تنها حاجی زین العابدین تقی اوف، هزینه اشتراک پانصد شماره از حبل المتین را برای روحانیون نجف داده بود). این روزنامه گفتارهایی را درباره گرفتاری های سیاسی ایرانیان می نوشت و در واقع استقراض از روس مطالب مفیدی نشر داد و بارها پیشنهاد قانون و حکومت مشروطه را می نمود. مردم دلبستگی بسیار به حبل المتین پیدا کردند و نویسنده آن جلال الدین کاشانی (مؤیدالاسلام) مشهور گردید. "ثریا" و "پرورش" چاپ مصر و "الحدید با عدالت" چاپ تبریز دیگر روزنامه های مهم آن دوره اند.

"نشریات اصلاح طلب ترک زبان" چاپ استانبول و قفقاز مثل "ارشاد"، "تازه حیات"، "ملانصرالدین" - نویسندگان آن نظرات خود را در قالب شعر و حکایات شیرین بیان می کردند و بسیار تأثیرگذار بود - هم در گسترش افکار نو و تحریک فعالیتهای آزادیخواهانه تأثیر گذار بودند. البته تأثیر این نشریات بیشتر در آذربایجان بود که مردم آن به زبان ترکی تکلم می کردند. به نظر می رسد اولین منادیان مشروطیت در آذربایجان - افزادی مثل سید حسن تقی زاده، محمدشهبستری (ابوالضیاء)، صادق مستشارالدوله، محمدعلی تربیت و... - از این نشریات بهره های زیادی برده باشند.

در واقع روی آوردن مردم به روزنامه ها را در آستانه مشروطه میتوان نشانگر پیشرفت تکان و بیداری عمومی قلمداد کرد^۱ به هر حال در پایان بحث روزنامه ها باید گفت که روزنامه ها از دو جهت از جمله زمینه های فکری مؤثر بر انقلاب مشروطیت بوده اند: اولاً به خاطر چاپ مقالات انتقادی از استبداد داخلی و استعمار خارجی باعث روشننگری درباره اوضاع منحط داخلی و تکان عمومی شدند که منجر به انقلاب ملی گردید. دوماً به خاطر چاپ مطالب علمی و فلسفی جدید باعث رشد فکری و معلومات عمومی گردیدند. پس از اعطای فرمان مشروطه روزنامه ها به رشد و تکثر قابل توجهی دست یافتند که از ثمرات انقلاب مشروطه بود و در تاریخ ایران کمتر تکرار گردید. سرگذشت مطبوعات در این دوره مبحث دیگری است که مطبوعات در این دوران دارای کارکردهای مثبت و منفی متفاوتی گردیدند.

گذشته از روزنامه ها در این دوران چند کتاب انتقادی هم وجود دارند که علی رغم تعداد معدود، بسیار تأثیرگذار بوده اند. "سیاحتنامه ابراهیم بیگ" اثر زین العابدین مراغه ای، ماجرای جوانی از بازرگان زادگان ایرانی در مصر است که به آرزوی دیدار میهن به همراه لئه خود به ایران می آید و در پایتخت و سایر نقاط ایران هرچه دیده، از ناآگاهی مردم و سرگرمی آنها به کارهای بیهوده و فریبکاری برخی متظاهران به دین و ستمگری حکمرانان و بی پروایی دولت و مانند اینها را با زبانی ساده و شیرین نوشته است. این کتاب در واقع انتقادی همه جانبه نسبت به نکات منفی اجتماعی و اخلاقی و سیاسی موجود در جامعه و حکومت ایران است. انبوه ایرانیانی که در آن روزگار خو به این آلودگی ها ویدی ها گرفته بودند و جز از زندگانی بد خود، زندگانی دیگری را گمان نمی بردند، از خواندن این کتاب گویی از خواب غفلت بیدار شده و تکان سختی می خوردند. مراغه ای در این کتاب از امین السلطان به بدی و از میرزا علی خان امین الدوله - به خاطر پاره ای اقدامات اصلاح گرایانه اش - به نیکی یاد می کند.

طالبوف تبریزی در "کتاب احمد"^۲ خود با پسر خیالی اش احمد از پیشرفت های اروپائیان و عقب ماندگی ایرانیان سخن می راند. "مسالك المحسنين" دیگر اثر انتقادی طالبوف است که این کتاب داستان چند نفر از اهالی تهران است که آهنگ قلۀ دماوند را کرده اند. نویسنده در این میان از چگونگی کارهای مردم و گرفتاری های کشور سخن ها به میان می آورد.^۳

(۳) تأثیر حوادث جهانی بر افکار ایرانیان: پیش از انقلاب مشروطیت، حوادث و تحولات مهمی در کشورهای دیگر به وقوع پیوست که رسیدن اخبار آنها به ایران در افزایش آگاهی ایرانیان نقش مؤثری داشت. از جمله این گونه رویدادها را که ملت ایران را به تحرک و خودباوری رساند، می توان به مواردی

^۱ علی اکبر سعیدی سیرجانی، مطبوعات در عصر مشروطیت [مندرج در کتاب: انقلاب مشروطیت (از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا)، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر، چ دوم، ۱۳۸۳، صص ۱۴۷-۱۴۵ و کسروی، ۱۳۸۵،

صص ۵۷-۵۵ و امانت، صص ۳۵ و کدی، صص ۱۱۸.

^۲ نام دیگر این کتاب سفینه طالبی است.

^۳ کسروی، صص ۵۸-۵۷ و کدی، صص ۱۱۷.

چون "مشروطیت ژاپن"، "شکست روسیه از ژاپن"، "انقلاب ۱۹۰۵ روسیه" و ... اشاره کرد. مشروطیت ژاپن که بیشتر با نام "انقلاب میجی" معروف است، به ایجاد تحولی اساسی در نظام حکومتی آن کشور منجر شد. این انقلاب که در سال ۱۸۶۸ م. (۱۲۴۷ ه. ش.) روی داد، سرآغاز دگرگونی اوضاع ژاپن بود و این کشور را به تدریج به مسیر ترقی کشاند. روزنامه هایی مثل حبل المتین و حکمت پیوسته از پیشرفت های کشور و مردم ژاپن برای خوانندگان خود مطلب می نوشتند.

نخود یک سال پیش از وقوع مشروطیت در ایران، میان دو دولت روسیه و ژاپن که هر دو در پی توسعه نفوذ خود در شرق آسیا بودند، جنگی اتفاق افتاد. در این نبرد کشور بزرگ و نیرومند روسیه که دارای نظامی استبدادی بود، از کشور کوچک و آسیایی ژاپن، به سختی شکست خورد. این شکست از اعتبار روسیه در نظر ایرانیان کاست و مردم ایران پیروزی مزبور را نمایی از عملکرد مناسب نظام حکومتی ژاپن دانستند. در همان سال یک بازرگان ایرانی (میرزا حسینعلی تاجر شیرازی) در طی منظومه ای به نام "میکادونامه" به ستایش پیروزی ژاپن بر روسیه پرداخته و علت این پیروزی را حکومت مشروطه این کشور دانسته بود. در بیتی از این منظومه چنین آمده است:

مشروطگی گشت ژاپن بزرگ که شد چیره بر همچو خصمی سترگ

شکست روسیه از ژاپن، برای دولت استبدادی این کشور ضربه بزرگی بود. آزادخواهان روسیه با استفاده از این وضع، بر فعالیتهای خود برای سرنگون کردن حکومت استبدادی این کشور افزودند و سرانجام این مبارزات به تأسیس "مجلس دوما" در این کشور انجامید. رسیدن اخبار این حرکت انقلابی در برانگیختن ایرانیان علیه حکومت استبدادی قاجاریه نقش مؤثری داشت.^۱

ریشه های دینی: در طول تاریخ دوره اسلامی پاره ای جنبش های عدالت خواهانه بر اساس تعالیم اسلامی شکل گرفته بودند. یکی از جنبه های مهم این جنبش های مردمی، مبارزه با سلطه طلبی بیگانگان و ستیز با ظلم و ستم فرمانروایان خودکامه بود. در ماجرای نهضت تنباکو (در بخش های بعدی به آن خواهیم پرداخت) که از آن با عنوان تمرینی برای انقلاب مشروطه یاد شده است، علمای دینی در رهبری آن نقش بزرگی داشتند و به طور کلی این نهضت دارای جنبه های قوی دینی بوده است. از جنبه ای دیگر، نفوذ و قدرت علمای دینی در ایران بر روی توده های مردم، سابقه ای دیرین داشته است. در عصر قاجار در قیامی مانند جنگ ایران و روس و ماجرای گریبایدوف، اعلان جهاد علما در به حرکت درآوردن مردم کارساز بوده است.^۲ (در رابطه با نقش علما در مشروطیت، به بخش طبقات، اقشار و گروه های اجتماعی ایران مراجعه شود.)

^۱ کدی، ص ۱۱۸.

^۲ همان، ص ۸۲.

زمینه های عملی مشروطیت در ایران

(۱) سیاسی

(الف) شکست برنامه های نوسازی و انحطاط حکومت: از دیگاه جان فوران، دیوانسالاران قاجار در واکنش به تشدید روز افزون ناآرامی های داخلی و همچنین به خاطر رویارویی های خارجی با غرب، که به دنبال پیروزی های نظامی بر فشارهای سیاسی و اقتصادی خود می افزود، تلاش جامعی را برای تقویت دولت و رشد اقتصادی آغاز کردند^۱ این تلاش ها به سه مرحله "نوسازی" از بالا منتهی شد: ۱- اصلاحات عباس میرزای ولیعهد (که دنباله آن را تا حدودی وزیرش قائم مقام فراهانی پی گرفت) در عصر فتحعلی شاه ۲- اصلاحات امیرکبیر در اوایل عصر ناصری ۳- اصلاحات سپهسالار در اواسط عصر ناصری. نکته قابل توجه در مورد اصلاح طلبان دولتی دوره قاجار این است که پیشگامان آنها نظیر عباس میرزا، قائم مقام فراهانی و امیرکبیر همه رشد یافته آذربایجان، یعنی خط مقدم جبهه روسیه بودند.

نخستین حرکت نوسازی "نظام جدید عباس میرزا" بود. حضور اروپائی ها در زمان "نابلیئون اول"^۲ در ایران و اولین جنگ ایران با روسها، عباس میرزای ولیعهد را که حکمران آذربایجان هم بود، برآن داشت که نیروهای خود را به سبک غربی آموزش نظامی داده و تعدادی از محصلین را هم برای آموزش های مربوطه به خارج از کشور بفرستد، تا بدین وسیله قدرت نظامی مملکت را در مقابل تهدیدات خارجی افزایش دهد. وی در برنامه های اصلاحی خود، بسیار از نیروی فکری صدراعظم خود - قائم مقام فراهانی - بهره می گرفت. شکست برنامه توسعه مدرن نمودن ارتش که توسط عباس میرزا پایه گذاری شده بود، نه تنها به خاطر فقدان رهبران نیرومند و اصلاح گرای قاجار بعد از فوت او، بلکه همچنین به خاطر مخالفت نیروهایی بود که منافع خود را در عدم تمرکز قدرت می دیدند. بسیاری از رهبران قبائل با یک نیروی نظامی مرکزی که طبیعتاً نقش و استقلال آنها را محدود می کرد، مخالف بودند. برخی از علمای دینی هم، کارشناسان نظامی غربی، تمرینات نظامی و به خصوص اونیفورم های نظامی ارتش های جدید را به چشم دشت درازی های جهان کفر و بی دینی می پنداشتند. افسران ارتش و کسان دیگری که از فساد موجود در ارتش سابق استفاده می بردند، هم مخالف اصلاح بودند.^۳ اقدامات صرفه جویانه نیز خصومت درباریان و مستمری بگیران و مالیاتچی ها را برانگیخت، تعرفه های جدیدش اعتراض غربی ها را در پی داشت و قشون جدید هم هراس خوانین محلی را برانگیخت.^۴ در حقیقت نوسازی و نوگرایی عباس میرزا که برپایه

^۱ جان فوران، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمدتدین،

تهران: رسا، چ هفتم، ۱۳۸۶، صص ۲۴۷-۲۴۶.

^۲ Napoleon Bonaparte

^۳ کدی، صص ۷۹-۷۸.

^۴ آبراهامیان، ص ۴۹.